

مقدمه

انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا، بر روی زمین می باشد اما دستیابی به این مقام، به سادگی میسر نمیباشد بلکه تلاش و ممارست بسیاری را می طلبد.

انسان مختار، در این دنیا که به سان گذرگا هی است؛ درمیان دوره قرار دارد که یکی به اسفل السافلین و دیگری به اعلی علیین ختم می شود. یکی او را به شقاوت و بدبختی و دیگری به سعادت و کمال می رساند. هدف از آفرینش انسان اینست که با انتخاب راه صحیح و طی کردن صراط مستقیم به مقام قرب الهی نائل شود و این میسر نیست مگر اینکه به دعوت حق، لَبَّیک گوید و با بهره گیری از تعالیم روشنگر وحی، نیک و بد را باز شناخته و پس از آشنایی با وظایف و مسئولیتهای خویش در عمل به آن کمر همّت بند.

در این مجموعه قصد داریم پس از آشنایی با مفاهیم واژه های کلیدی و شرایط مسئولیت پذیری به اهمیت و ضرورت و جایگاه مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی در آیات و روایات پردازیم و پس از آشنایی با مختصری از وظایف انسانی، در مقابل خود، خانواده و اجتماع، به ارائه راهکارهایی جهت ایجاد انگیزه برای پرورش حسّ مسئولیت پذیری پردازیم و برخی از موانعی را که موجب می شود این حسّ ارزشمند در وجود انسان کمرنگ شود بر شمریم.

واژه های کلیدی این بحث عبارتند از: مسئولیت، وظیفه، تکلیف، تعهد، حق، وزر و مشارکت جویی.

آشنایی با مفاهیم واژه های کلیدی و ارتباط آنها با یکدیگر

«مسئولیت»؛ در لغت به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می باشد.^۱

«وظیفه»؛ به آن چیزی اطلاق می شود که شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد.^۲

«تکلیف»؛ به معنای بار کردن کاری سخت توأم با رنج، بر کسی می باشد.^۳

«تعهد»؛ به معنای گردن گرفتن کاری^۴ و همچنین عهد و پیمان بستن^۵ نیز آمده است .

«حق»؛ در این مبحث به معنای سهم و نصیب می باشد.^۶

هر یک از این واژه ها به نوعی با یکدیگر ملازم می باشند. به عنوان نمونه ؛ تا وظیفه ای بر دوش کسی

نباشد، مسئولیتی در قبال انجام دادن یا ندادن آن نخواهد داشت و در مورد آن ، بازخواست نخواهد شد .

واژه «تکلیف» نیز با «مسئولیت» و «وظیفه»، ملازم است ؛ چرا که در هر سه مورد چیزی بر عهده

شخص می باشد که اجرای آن ، لازم و واجب است.

واژه «تعهد» نیز با سه واژه اخیر در ارتباط است ؛ چرا که در هر حال فرد متعهد ، موظف و مکلف است

آنچه را که به آن تعهد داده است به انجام برساند و در این مورد مسئول می باشد .

کلمه «حق» نیز با واژه های اخیر تناسب دارد زیرا هرگاه سخن از حق به میان می آید ، تکلیف و

مسئولیتی هم در پی آن خواهد بود و با اثبات حق برای یک طرف تکلیف و مسئولیتی هم برای طرف دیگر

بوجود می آید . لذا در بحثهای آینده هر کجا از این الفاظ استفاده شود این ارتباط و ملازمه مد نظر می باشد.

۱ علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۷

۲ علی اکبر ، دهخدا، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۲۱۱

۳ ربک ، علی اکبر، دهخدا، همان، ج ۵، ص ۶۹۱۳

۴ محمد، معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، سال ۱۳۸۱، ص ۳۰۷

۵ علی اکبر، دهخدا، همان، ج ۵، ص ۶۸۲۳

۶ لویس، معلوف، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی ، تهران، انتشارات ایران، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۰۸

زیر بنای مسئولیت پذیری

پس از آشنایی مختصر با مفاهیم واژه های کلیدی و ارتباط آنها با یکدیگر ، لازم است بدانیم که مسئولیت پذیری، مقدمات و شرایطی دارد و زمانی می توان مسئولیتی را به فردی سپرد که او این شرایط را احراز کرده باشد. لذا در ادامه مختصراً به این شرایط و مقدمات اشاره ای خواهیم کرد:

۱- مسئولیت پذیری زمانی تحقق می پذیرد که رسالت و تکلیفی در کار باشد؛ یعنی انسان، قبلاً کارهایی را با اراده و اختیار خویش پذیرفته باشد و سپس مسئولیت انجام آن را به عهده گیرد نه کارهایی که تحت تأثیر جاذبه میل ها و دافعه خوف ها انجام می دهد .

۲- مسئولیت در جایی اعتبار می شود که فرد، دارای قدرت تمیز و ادراک باشد ؛ لذا انسان ناآگاهی که دارای قدرت درک و فهم نمیباشد را نمی توان ملزم به انجام کاری کرد و به او مسئولیتی را سپرد .

۳- زمانی می توان فرد را در مقابل وظیفه ای که داشته است مورد بازخواست قرار داد که آن فرد، قبلاً مسئولیت خود را شناخته باشد و این مستلزم رسایی پیام و دریافت آن توسط فرد مکلف می باشد .

۴- تکلیف کردن متوقف بر قدرت انجام وظیفه از سوی فرد مکلف است لذا فرد ناتوان هر چند که آگاه باشد به دلیل اینکه کار از حوزه عمل و قدرت او خارج است مسئول نخواهد بود.

۵- زمانی می توان فرد را مسئول دانست که او با اختیار و اراده خود ، انجام یا ترک کاری را به عهده گرفته باشد نه اینکه مجبور به این کار شده باشد.

بدون شروط بالا مسئولیت دادن به کسی و بازخواست کردن از او معنایی ندارد و این مقدمات ، از شرایط

اساسی مسئولیت پذیری می باشد.

اهمیت مسئولیت پذیری در آیات و روایات

نظام حقوقی اسلام نظامی تکلیف گراست؛ به عنوان مثال در متون دینی وقتی صحبت از حق انسانها می شود بحث از حقوقی است که انسانهای دیگر بر ما دارند و به عبارت دیگر مسئولیتی که ما در قبال دیگران داریم. البته چون این حقوق طرفینی است ما نیز این حقوق را بر عهده دیگران داریم اما بدلیل همان بعد سازندگی و تربیت و هدایت که دین اسلام برای خود، قائل است در بیان به جنبه تکلیف و وظیفه و مسئولیت، توجه بیشتری می کند؛ لذا امام سجّاد- علیه السلام- می فرماید:

«إِعْلَمَ رَحْمَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ حَقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرَكُهَا وَ سَكْنَةٍ سَكَنَتْهَا أَوْ حَالٍ خَلَّتْهَا أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلْبَتَهَا أَوْ آئِلَةٍ تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَأَكْبَرِ حُقُوقَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ.»^۱

بدان که خدای عزوجل را بر تو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است. بزرگترین حق خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقی که ریشه همه حقوق است.

امام سجّاد- علیه السلام- نمی فرماید تو بر گردن دیگران حقی داری که آنها باید در مورد تو رعایت کنند بلکه می فرماید؛ حقوقی تو را احاطه کرده؛ یعنی حقوقی که دیگران بر گردن تو دارند و تو باید از عهده آنها برآیی. همانطور که دیدیم اسلام دینی تکلیف گراست و اصولاً دینداری بدون مسئولیت پذیری و تعهد معنایی ندارد. در ادامه به اهمیت مسئولیت پذیری و جایگاه آن در قرآن و سنت می پردازیم.

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است.

^۱ محمد بن بابویه، شیخ صدوق، خصال، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، شیراز، انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا، ص ۶۷۴

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَزِرُوا وَازِرَةً وَّزِرَةً أُخْرَى...»؛ «هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر

دوش نمی کشد»

در این آیه «وزر» به معنی سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای «گناه» و «مسئولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می شود که بار سنگین مسئولیت را احدی خود انسان بر دوش نمی کشد و در روز رستاخیز هر کس مسئول پاسخگویی به اعمال خویش است.^۱ و ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در بر می گیرد خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً»^۲؛ «از آنچه نمی دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دلها همه مسئولند»

خداوند در وصف مؤمنان می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

»^۳؛ «مؤمنان کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دلهایشان ترسان گردد»

«وجل»؛ همان حالت خوف و ترسی است که سرچشمه آن گاهی بخاطر درک مسئولیتها و احتمال عدم

قیام به وظایف لازم در برابر خدا می باشد که این حالت به عنوان یکی از صفات مؤمنان ذکر شده است.^۴

مسئولیت پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و

قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را

داشت و می توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر

کند؛^۵ چنانکه خداوند در قرآن می فرماید:

۱ ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶-۱۳۵۳، ج ۱۸، ص ۲۲۴

۲ اسراء (۱۷)، آیه ۳۶

۳ انفال (۸)، آیه ۲

۴ ربک، ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۷، ص ۸۶

۵ همان، ج ۱۷، ص ۴۰۹

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَنسَفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.»^۱ «ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از

حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود.»

مسئولیت پذیری در لسان روایات نیز همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. امام علی -علیه السلام- آنچنان خود را در پیشگاه خدا مسئول می داند که حتی دربارہ آنچه می گوید وجود خویش را ضامن قرار داده و می فرماید: «دِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينُهُ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ»^۲؛ «عهده ام در گرو درستی سخنم قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پایبندم» و همین احساس مسئولیت بود که ایشان را به قبول خلافت وادار کرد چنانکه می فرمایند:

هان به خدایی که دانه را شکافت و انسان را بوجود آورد. اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من بخاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند دهنه شتر خلافت را بر کوهانش می انداختم و پایان خلافت را با پیمانہ خالی اولش سیراب می کردم آنوقت می دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است.^۳

امام علی -علیه السلام- بارها پیروان خود را به تقوی درقبال مسئولیتهایی که بر دوش گرفته اند سفارش کرده و حتی آنان را در مقابل زمین و حیوانات نیز مسئول دانسته و می فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ»^۴؛ «از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمینها و

حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید.»

البته روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد که به دلیل محدودیت دامنه بحث از ذکر آن خودداری

می کنیم و در ادامه به ضرورت مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی می پردازیم .

^۱ احزاب (۳۳)، آیه ۷۲

^۲ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۹، خ ۱۶، ص ۷۲

^۳ همان، خ ۳، ص ۶۱

^۴ همان، خ ۱۶۶، ص ۳۸۲

ضرورت مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی

با نظر به مطالبی که گفته شد، این سؤال پیش می آید که پاسخگو بودن در برابر یک مرجع برتر چه ضرورتی دارد؟ و اگر انسان مسئولیتی را نمی پذیرفت چه اتفاقی می افتاد؟ همانطور که می دانیم آفرینش انسان و جهان، هدفدار بوده است و هدف از آفرینش انسان عبادت و بندگی خداوند می باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَهُ»^۱؛ «جن و انس را نیافریدم جز اینکه مرا عبادت کنند.»

خداوند متعال راه رسیدن به قرب الهی و طریقه عبادت و بندگی خود را به صورت برنامه هایی به رسول خویش ابلاغ کرده است و پس از پیامبر - صلی الله علیه و اله - اوصیاء او وظیفه آموزش معارف دین را بر عهده دارند. در این میان ما مسلمانان که به این دعوت لَبَّیک گفته ایم وظایف و مسئولیتهایی پیدا می کنیم که عمل به آنها ما را به کمال انسانی خویش نزدیک می سازد.

بزرگترین مسئولیت انسان، در برابر نعمت هدایت و ولایت می باشد؛ چرا که بدون تشریح دین و هدایت انسان، تمامی راهها به سوی کمال و سعادت او مسدود می شد. امام رضا - علیه السلام - می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الشَّهَادَةُ وَ النَّبُوَّةُ وَ مَوَالَاتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۲؛ «همانا اولین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می شود؛ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر و دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام است.»

^۱ ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶

^۲ فتح الله، کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، سال ۱۳۴۴ش، ج ۱۰، ص ۳۳۵

لذا اگر ما در مقابل این نعمتهای ارزشمند که خداوند برای هدایت بشر به او ارزانی داشته است احساس مسئولیت نکنیم حیاتی پوچ و بی هدف داشته هرگز به مقام والای انسانیت نائل نمی شویم و اینجاست که ضرورت مسئولیت پذیری در برابر خداوند متعال مشخص می شود .

مسئولیت حقیقی در مقابل خداست

همانطور که در بحثهای قبلی اشاره کردیم؛ دو واژه حق و مسئولیت با یکدیگر ملازم هستند؛ لذا هر کجا سخن از حق می شود متقابلاً و غیر مستقیم ، به مسئولیت و تکلیف در قبال آن حق نیز اشاره شده است .

بر اساس بینش دینی ، ما می توانیم برهان اقامه کنیم که چون همه هستی از آن خدای متعال است و او مالک همه چیز است، هر کجا حقی باشد، اصالتاً از آن خداست و هیچ حقی برای کسی به خودی خود ثابت نمی شود؛ مگر اینکه خداوند، آن حق را به آن موجود اعطا کرده باشد . لذا خداوند حق تصرف در هر موجودی را خواهد داشت و از آن طرف هیچ موجودی ، حقی بر خداوند و سایر موجودات ندارد؛ چون هیچگونه مالکیت و خالقیتی نسبت به آن ندارد . پس نتیجه می گیریم که مسئولیت واقعی ما در مقابل خداوند است.^۱

در اثبات اینکه مسئولیت حقیقی در مقابل خداوند است دلایل نقلی بسطی وجود دارد که ما در اینجا تنها به روایتی از امیرالمؤمنین علی -علیه السلام - اشاره می کنیم که می فرمایند:

«و لو كان لأحد أن يجرى له و لا يجرى عليه لكان ذلك خالصاً لله سبحانه دون خلقه لقد رته على عباده و لعدله في كل ما جرت عليه صروف قضائه ولكنّه جعل حقه على العباد أن يطيعوه و جعل جزاءهم عليه مضاعفة الثواب تفضلاً منه و توسعاً بما هو من المريد أهله.»^۲

و اگر کسی را بر دیگری حقی ثابت است و آن کس را بر وی حقی نباشد این حق فقط برای خدای سبحان است نه غیر او؛ بخاطر احاطه قدرتش بر بندگان و عدالتش در تمام آنچه که فرمانش در آن جاری است ولی حقتش را بر بندگان چنین مقرر فرمود که او را بندگی کنند و مزد عبادت را بر عهده خود، برای بندگان ، چند برابر قرار داد به علت تفضل و کرمی که دارد و افزون دهی که شایسته و اهل آن است.

حضرت در این روایت تنها خداوند را صاحب حق میدانند که این حق همان اطاعت و بندگی خداست.

^۱ ر.ک ،محمد تقی ، مصباح یزدی ، نظریه حقوقی اسلام ، قم ، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول ، تابستان ۱۳۸۰ ، ص ۱۱۴

^۲ سید رضی، نهج البلاغه ، ترجمه حسین انصاریان ، خ ۲۰۷ ، ص ۴۷۲

انواع مسئولیت

حال که دانستیم انسان حقیقتاً در برابر خداوند، پاسخگو است باید توجه داشت که خداوند انسان را نسبت به برخی چیزها مسئول کرده است و آن را در راستای مسئولیت در قبال خود قرار داده است. بطور کلی انسان، در برابر خود، خانواده و جامعه، مسئول می باشد که در ادامه مختصراً به این وظایف و مسئولیتها اشاره می کنیم.

الف- مسئولیت در برابر خود

انسان در مقابل خود مسئول دو چیز است؛ اولاً مسئول حفظ و نگهداری سرمایه هایی که به او داده شده است که آنها را تضییع نکند. ثانیاً مسئول بهره برداری و حداکثر استفاده از نعمتهایی که به او داده شده است. مسئولیتهایی که انسان در برابر خویش دارد به مسئولیت در برابر نفس، عقل، امور فطری، غرایز و شهوات و اعضاء و جوارح، تقسیم می شود که مختصراً به آن اشاره می کنیم.

انسان در برابر نفس خویش مسئول است که آن را در راه اطاعت خداوند بکار گیرد. امام سجّاد-علیه السلام- در رساله حقوق می فرماید: «وَحَقُّ نَفْسِكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱؛ «حقّ نفست اینست که در طاعت خدا بکارش بندی»

عقل نیز بر انسان حقوقی دارد، از جمله اینکه قرآن در بسیاری از آیات ما را به تفکر در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز دعوت می کند و آن را از نشانه های خردمندان می شمارد. و می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»^۲؛ «همانا در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، برای خردمندان، نشانه هایی است»

^۱ محمد بی بابویه، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دارالاضواء، سال ۱۴۴۲-۱۴۱۳ ه.ق، ص ۴۵۹

^۲ آل عمران (۳)، آیه ۱۹۰

از سوی دیگر دین اسلام پیروان خود را از اندیشه های هوس آلود که علاوه بر بی ثمر بودن انسان را به وادی گناه سوق می دهد بر حذر داشته است.

یکی دیگر از مسئولیتهای انسان در برابر امور فطری است از جمله حقیقت جویی؛ که انسان را به کشف حقیقت سوق می دهد و خیر اخلاقی؛ که موجب می شود انسان به سوی کسب فضایل گام برداشته و از بدیها و رذایل دوری کند. همچنین زیبا پسندی؛ که موجب می شود هر فردی در درون خود کشش و جاذبه ای به سمت زیبایی ها، حس کند و بدین وسیله معرفت بیشتری به خالق این زیبایی ها پیدا کند. و احساس عشق و پرستش به موحد برتر؛ که با هدایت آن میتوان از سقوط این میل فطری در ورطه عشق های مجازی جلوگیری کرد و به سوی خداپرستی روی آورد.

تمام این امیال فطری، نیاز به تربیت و هدایت دارند تا در مسیر صحیح قرار گرفته و به رشد و شکوفایی برسند و این در صورتی میسر است که از تعالیم انسان ساز دین مبین اسلام بهره مند شویم.

غرایز و شهوات از دیگر اموری است که انسان در مقابل آن وظایفی دارد. برای غریزه، مصداقهایی شمرده شده است؛ مانند گرسنگی، تشنگی، غریزه جنسی و ... از آنجایی که غریزه، به گونه ای طبیعی و غیرارادی در انسان وجود دارد، باید برای جلوگیری از طغیان آن، حدود و ضوابطی مشخص شود که این امر در اسلام با دستوراتی تعدیل شده است که عمل به این دستورات موجب سلامت جسم و آرامش و تعادل روح می شود.

یکی دیگر از مسئولیتهای مهم انسان؛ حفظ سلامت و قوت و اعتدال بدن و بکارگیری اعضاء و جوارح در جهتی که خداوند امر کرده است می باشد و هر یک از این دستورات به عنوان حقی از حقوق اعضاء و جوارح انسان مطرح شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام تنها به عناوین آن اشاره می کنیم که عبارتند از: حقّ زبان، حقّ گوش، حقّ چشم، حقّ دست، حقّ پا، حقّ شکم و حقّ فرج.

بنابراین حفظ اعضاء و جوارح از محرّمات، با بهره گیری از تعالیم شرع از ضروریات زندگی انسان است که

بی توجهی به آن، روح و جسم انسان را به تباهی می کشاند.

ب- مسئولیت در برابر خانواده

ازدواج، مبادرت به یک خدمت مقدس و تحمّل یک مسئولیت است. در این بنیاد مقدس، هر یک از زن و مرد و همچنین فرزندان و پدر و مادر، به طور متقابل، حقوقی بر یکدیگر دارند که این حقوق، مسئولیتهایی را برای طرف مقابل بوجود می آورد. در ادامه، تنها به اشاره ای مختصر از برخی حقوق متقابل افراد خانواده اکتفاء می کنیم.

۱- حقوق زن بر شوهر

برخی از حقوق واجب و مستحب زن بر شوهر عبارتند از: تهیه لوازم زنگی، حق قسم (همبستری با بانو هر چهار شب یک مرتبه) احترام به زن، آراسته و پاکیزه بودن شوهر، گشایش در زندگی و... .

۲- حقوق شوهر بر زن

برخی از این حقوق عبارتند از: اطاعت، تمکین، ترک نکردن خانه بدون اذن شوهر، عدم تصرف در اموال شوهر بدون اذن او، آراسته نکردن خویشان برای غیر شوهر، احترام به شوهر و خوشرفتاری با او، خدمت در خانه و... .

۳- حقوق پدر و مادر بر فرزند

برخی از این حقوق عبارتند از اینکه: فرزندان در همه حال از آنان تشکر کنند، در غیر معصیت خدا امر و نهی آنان را بپذیرند، در پنهان و آشکار خیر خواه آنان باشند، با آنها برخورد نیکو داشته باشند، نیاز آنان را قبل از اینکه بیان کنند برآورده سازند، با گفتار کریمانه با آنها سخن گویند، با دیده رأفت به آنها بنگرند و... .

۴- حقوق فرزند بر پدر و مادر

برخی از این حقوق عبارتند از: تعلیم حلال و حرام، تربیت دینی، تحسین اسم، حق اکرام، تحسین آداب، تأمین روزی پاک و حلال، فنون تیر اندازی و شنا، تزویج، حق کتابت و...

۵- حق اقوام و خویشاوندان

مهمترین حق اقوام و خویشاوندان، صله رحم است و چه بسا در ورای این حق عظیم، بسیاری از حقوق دیگر نیز رعایت شده و با عدم رعایت آن، بسیاری از حقوق، ضایع شود.

ج- مسئولیت در برابر اجتماع

انسان موجودی اجتماعی است و در طول زندگی، ناگزیر از معاشرت با دیگران می باشد؛ در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد، نسبت به یکدیگر، تعیین کرده است که همان مسئولیتهای اجتماعی می باشد و به دو مرحله اندیشه و عمل تقسیم می شود.

از دیدگاه اسلام، روابط اجتماعی انسان در مرحله اندیشه بر مبنای خیر خواهی، محبت، مودت و حسن ظن می باشد؛ یعنی انسان باید صفحه اندیشه و نیت خود را نسبت به برادران و خواهران خود، نیکو سازد.

دین مقدس اسلام در مرحله عمل، برای تنظیم روابط اجتماعی انسانها، آداب و وظایفی قرار داده است که در ادامه، اشاره ای مختصر به برخی از آنها خواهیم داشت:

۱- امر به معروف و نهی از منکر

همانطور که فرد، بر اثر تمرّد در برابر عادات و رسوم جامعه، مسئول است، جامعه نیز بخاطر سکوت در مقابل شرّ و چشم پوشی از فساد، در مقابل فرد، مسئول خواهد بود.

در اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر، همین بس که حفظ دین در همه ابعادش به اجرای آن بستگی دارد و سعادت دنیا و آخرت در گرو عمل به این دو فریضه الهی می باشد .

۲- حضور در مجامع عمومی

اسلام ، آئینی بشر دوست و اجتماعی است؛ اغلب فروع دین و دستورات اسلام از قبیل خمس، زکات، جهاد، حجّ و... جنبه اجتماعی دارند . لذا در می یابیم که تفکر و ایده انزوا طلبی و گوشه گیری از مجامع مردمی و اکتفاء به پاره ای از عبادات، نوعی عافیت طلبی و به معنای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیتهای اجتماعی اسلام است و هرگز مورد پسند و پذیرش خداوند متعال و اولیای بزرگوار دین نمی باشد.

۳- احترام به حقوق دیگران

یکی دیگر از وظایف و مسئولیتهای اجتماعی، احترام به حقوق دیگران می باشد . لذا اگر کسی جان و مال و ناموس دیگری را مورد تجاوز قرار دهد علاوه بر اینکه در مقابل خداوند، مسئول است ؛ مطابق قوانین اجتماعی، مجازات خواهد شد؛ چرا که اگر در جامعه انسانی ، امنیّت وجود نداشته باشد؛ هرج و مرج و بی قانونی ، همه جا را فرا می گیرد.

۴- عدالت در برخورد های اجتماعی

عدالت اجتماعی به این معنا است که انسان ، هر کسی را در جایی که از نظر عقل، شرع و یا عرف ، مستحقّ آن است قرار دهد ؛ نیکو کار را بخاطر احسانش نیکی کند و بدکار را به دلیل بدیش عقاب نماید. حقّ مظلوم را از ظالم بستاند و در اجرای قانون تبعیض و استثناء قائل نشود.^۱

^۱ ر.ک ، سیّد محمد، مقدّس نیا ، محمد، محمدی ، آداب معاشرت ، چاپ دوّم ، قم، نشر پیک جلال ، سال ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۵

بنابر این در جامعه اسلامی، تک تک افراد، از عوام گرفته تا صاحب منصبان و مدیران حکومتی وظیفه دارند، عدالت را در هر موقعیتی که قرار دارند و در مقابل هر فردی، اجراء کنند.

۵- مسئولیت در برابر جهل ها و بی خبری ها

یکی از مهمترین مسئولیتهای اجتماعی، قیام بر علیه جهل و بی خبری است، چرا که اجتماع همانند پیکر واحدی است که جهل و بی خبری عده ای از افراد آن، تأثیر مخربی بر کل جامعه خواهد گذاشت. لذا وظیفه افراد عالم و آگاه جامعه اینست که دیگران را از جهل و بی خبری نجات دهند و از بذل علم خود به افراد شایسته بخل نورزند.

۶- مسئولیت در برابر فقر ها و گرسنگی ها

یکی دیگر از مسئولیتهای اجتماعی اینست که افراد، از حال یکدیگر باخبر باشند و به یکدیگر کمک کنند. در جامعه اسلامی، نباید فقر و اختلاف طبقاتی وجود داشته باشد به همین دلیل در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر اینکه مالکیت خصوصی افراد، محترم شمرده شده است؛ اما برای محدود کردن آن، قوانینی مانند خمس، زکات، انفاق، و... در نظر گرفته شده است که منجر به توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از انباشت آن در دست عده ای خاص می شود. لذا همگی ما مسئولیم تا با بهره گیری از تعالیم وحی، این معضل اجتماعی را ریشه کن سازیم.

۷- وفاء به عهد و پیمان

وفاء به پیمان یکی از مسئولیتهای مهم اجتماعی است؛ چرا که بدون آن هیچگونه همکاری اجتماعی میسر نیست و پیمان شکنی سبب سلب اعتماد عمومی شده و موجب پراکندگی اجزاء جامعه از هم خواهد شد؛ که این امر، ضررهای جبران ناپذیری بر پیکره اجتماع، وارد می آورد.

۸- حسن خلق

برخورد نیکو با دیگران ، انس و الفت را بین افراد جامعه ، افزایش داده و موجب می شود ، افراد در فعالیت‌های اجتماعی، تعامل بیشتری با یکدیگر داشته باشند و این اتحاد ، خیرات و برکات زیادی برای فرد و جامعه به دنبال دارد و جامعه را به سوی کسب فضایل ، سوق می دهد .

آنچه تاکنون گفتیم اشاره ای مختصر بود به وظیفه انسان در برابر خود، خانواده و جامعه. باید توجه داشت که اصولاً دین از مسئولیت انفکاک پذیر نیست و انسان متدین خواه ناخواه برای خود خانواده و اجتماع ، احساس مسئولیت می کند ؛ چرا که بی تفاوتی با دینداری سازگار نیست .

در ادامه به موانع مسئولیت پذیری در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع، اشاره کرده و به بیان راهکارهایی جهت رفع این موانع می پردازیم .

موانع مسئولیت پذیری در محیط خانواده و ارائه راهکار

۱- شیوه تربیت استبدادی که در آن ، والدین به نظر نوجوانان و جوانان اهمیّت نمی دهند و تنبیه در این شیوه رواج دارد که موجب می شود مهارتهایی مانند دوست یابی، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و مسئولیت پذیری در کودکان رشد نکند .

۲- سرزنش و نکوهش ، عامل دیگری است که فرزندان را خاطی میکند و موجب میشود که آتش لجبازی و عدم مسئولیت پذیری در آنها شعله ور گردد .

۳- عدم هماهنگی والدین، موجب میشود فرزندان نیز با دیگران روابط سردی داشته باشند ؛ لذا روحیه ناسازگاری در فرزندان درونی شده و مسئولیت پذیری و روحیه تعاون آنها دچار آسیب می شود.

۴- نداشتن تجربه گروهی و بازیهای دسته جمعی موجب میشود ، روحیه همکاری و تعاون و اشتراک مساعی که یکی از ابزارهای مهمّ مسئولیت پذیری است در کودکان رشد نکند.

۵- فقدان محبت موجب میشود فرد، در تعامل با جامعه دچار مشکل شود و همواره فاصله خود را با دیگران حفظ کند و از همکاری با آنها اجتناب ورزد و این جزء رفتارهایی است که با روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت جویی ناسازگار است.

برخی از راههای ایجاد حسّ مسئولیت پذیری در محیط خانواده عبارتند از:

۱. تربیت فرزندان به گونه ای که وابستگی کمتری به دیگران داشته باشند.
۲. فرزندان کارهای خود را شخصاً انجام دهند و برای مشکلات خود چاره جویی کنند.
۳. آموزش زندگی مردم محوری و سازش و تفاهم با دیگران به فرزندان.
۴. بچه ها را آگاهانه به مشارکت در گروههای مذهبی ، ورزشی، هنری و... تشویق کنیم.
۵. در امور مربوط به فرزندان با آنها مشورت کنیم^۱ و...

^۱ ر.ک ، عزیز الله ، رحیمی ، پرورش حسّ مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در نوجوانان و جوانان ، بی جا، نشر صالح ، چاپ اول ، زمستان ۱۳۷۷ ، ص ۱۳

موانع مسئولیت‌پذیری در محیط مدرسه و ارائه راهکار

- ۱- تبعیض گذاشتن بین دانش‌آموزان به اینصورت که مثلاً به برخی از افراد، مسئولیت‌هایی داده شود و یا توجه بیشتری به آنها شود؛ این امر موجب می‌شود که سایر دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیتهای گروهی، رغبتی از خود نشان ندهند.
 - ۲- جذاب نبودن فعالیتهای مدرسه موجب گریز از مسئولیت می‌باشد و موجب می‌شود دانش‌آموزان یا مسئولیتی را نپذیرند و یا با اکراه و بی‌رغبتی، مسئولیتی را به عهده بگیرند.
 - ۳- تکیه بر بعد آموزشی و غفلت از جنبه‌های پرورشی باعث گریز از مسئولیت است؛ چرا که وقتی اولیاء و مربیان ملاک پیشرفت تحصیلی را در نمره خوب گرفتن بدانند، در جهت امور پرورشی کوشش چندانی صورت نمی‌گیرد.
 - ۴- سختگیری در محیط مدرسه، روحیه مقاومت و مخالفت و فرار از اجرای تکلیف را تشدید می‌کند و باعث می‌شود شاگرد در مقابل دستورات معلم کار شکنی کرده و بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت باشد.
 - ۵- روش تدریس معلم محوری؛ که در این روش دانش‌آموز غیرفعال است؛ چراکه تنها نقش شنونده به او داده شده؛ لذا او هیچ مسئولیتی در کلاس حس نمی‌کند.
 - ۶- فقدان روح همکاری بین مسئولان مدرسه موجب می‌شود این روحیه به شاگردان منتقل شده و وحدت اجتماعی محیط مدرسه که لازمه مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری است خدشه دار شود.
- برخی از راههای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در محیط مدرسه عبارتند از:
۱. تشویق دانش‌آموزان به عضویت در گروهها و دستجات مدرسه.
 ۲. تأکید بر اردوهای دانش‌آموزی.

۳. دوری از تنبیه های ناسالم که موجب از بین رفتن همکاری بین معلّم و دانش آموز و کمرنگ شدن حسّ مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در شاگردان می شود.
۴. استفاده از نیرو و توان تمام دانش آموزان در مدارس و واگذار کردن مسئولیت به آنها .
۵. مقّدّم کردن بعد پرورشی مدارس بر بعد آموزشی آن.
۶. برگزاری جلسات بحث و انتقاد پیرامون مسائل جاری مدرسه با حضور دانش آموزان و...

^۱ ر.ک ، عزیزالله ، رحیمی، پرورش حسّ مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در نوجوانان و جوانان ، ص ۲۱

موانع مسئولیت‌پذیری در محیط سیاسی - اجتماعی جامعه و ارائه راهکار

۱- عدم وجود احزاب قانونی متنوع در جامعه یکی از موانع مشارکت جویی می‌باشد؛ چراکه بدلیل تنوع علایق و دیدگاهها، افکار نیز متنوع شده و نمیتوان افراد را حول یک حزب واحد مبدل کرد؛ چراکه اگر آنها علاقمند به آن حزب نبوده و از طرفی حزب مورد تمایل خود را نیابند بی تفاوت و منزوی شده و روحیه مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری خود را از دست می‌دهند.

۲- اختلاف طبقاتی در جامعه به افراد مرفه این امکان را می‌دهد که جهت شرکت در مسائل سیاسی - اجتماعی، فرصت بیشتری داشته باشند و بر عکس طبقات فقیر تر جهت تأمین مخارج زندگی فرصت زیادی برای مشارکت در امور سیاسی - اجتماعی نخواهند داشت؛ لذا با ورود طبقات مرفه در عرصه‌های مختلف امکان این حضور برای قشر فقیر در جامعه کمتر شده و در کل به روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی در جامعه آسیب وارد می‌شود.

۳- زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند لذا تبعیض بین زنان و مردان و عدم دستیابی بانوان به جایگاه شایسته در جامعه و محرومیت از مسئولیتهای و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی، موجب می‌شود که نیمی از جمعیت جامعه بی اطلاع و ناآگاه باشند و از طرفی این زنان، آگاهانه با ناآگاهانه در تربیت فرزندان خود این تأثیر منفی را می‌گذارند.

۴- وجود اقوام و گروه‌های مختلف در جامعه، امری بدیهی است، حال اگر قوانین و نگرشها در جامعه به گونه‌ای باشد که به برخی از اقوام بهای زیادی داده شود و به اقوام دیگر میدان مشارکت و فعالیت داده نشود و یا فرهنگ رفتاری آنها تحقیر شود، نتیجه آن ناراحتی و انزوای آن قوم و گروه و عدم شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خواهد بود و این مخالف روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی در اجتماع می‌باشد.

۵- بینش سنت گرایانه و تقدیری به این معنا که انسان همه چیز را از قبل تعیین شده بداند و خود را در تغییر امور فاقد هرگونه نقشی بداند؛ این فرد از شرکت در امور اجتماعی و سیاسی سرباز می زند؛ چراکه معتقد است کوشش و تلاش او تأثیری در اصلاح جامعه نداشته و دست تقدیر، این اصلاحات را رقم می زند و این امر موجب بی تفاوتی و بی مسئولیتی و راحت طلبی است.

برخی از راههای ایجاد مسئولیت پذیری در محیط سیاسی- اجتماعی جامعه عبارتست از:

- ۱- مسئولین و مدیران حکومتی به عنوان الگو برای سایر افراد جامعه باید سعی کنند مسئولیت پذیری و عمل به وظایف را سرلوحه کارهای خود قرار دهند.
- ۲- اشخاصی که در جامعه دارای نقش سیاسی هستند هر از چند گاهی برای سخنرانی و سؤال و جواب حاضر شوند؛ این کار حساسیت افراد را نسبت به مسائل جامعه بر می انگیزد و در ایجاد حس مسئولیت پذیری تأثیر زیادی دارد.
- ۳- برداشتن تبعیض از میان زنان و مردان در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... .
- ۴- استفاده از تمام اقوام و نژادهای موجود در جامعه برای ایفای نقشهای سیاسی- اجتماعی.
- ۵- مبارزه با بینش سنت گرایانه و تقدیری و ایجاد این باور فرهنگی که افراد برای تغییر سرنوشت خود و جامعه باید وارد میدان گردند و با مشارکت جویی و مسئولیت پذیری این امر مهم را محقق سازند.^۱

۱ ر.ک، عزیز الله، رحیمی، پرورش حس مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در نوجوانان و جوانان، ص ۲۷

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان

۱- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، ج ۵، ج ۱۵، ج ۳۴

۲- رحیمی، عزیزالله: پرورش حسّ مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در نوجوانان و

جوانان، بی جا، نشر صالح، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷

۳- شیخ صدوق، محمد بن بابویه: خصال، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، شیراز، انتشارات علمیّه

اسلامیّه، بی تا

۴- من لا یحضره الفقیه، چاپ دوّم، بیروت، انتشارات دارالاضواء، سال ۱۴۴۲-۱۴۱۳ ه.ق

۵- کاشانی، فتح الله: تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ

دوّم، سال ۱۳۴۴ ش، ج ۱۰

۶- مصباح یزدی، محمد تقی: نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام

خمینی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰

۷- معلوف، لویس: المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات ایران، چاپ چهارم، ج ۱

۸- معین، محمد: فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، سال ۱۳۸۱ ه.ق

۹- مقدّس نیا، سید محمد محمدی: آداب معاشرت، قم، نشر پیک جلال، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹

۱۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیّه،

۱۳۶۶-۱۳۵۳، ج ۷، ج ۱۷، ج ۱۸